

قلعه‌های کوهستانی دامغان

تهیه و تدوین:

مصطفی سعیدی

انتشارات مشق شب 

سرشناسه : سعیدی، مصطفی، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور : قله‌ها و قلعه‌های کوهستانی دامغان/ تهیه و تدوین مصطفی سعیدی.
مشخصات نشر : تهران: مشق شب، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : [۲۸۸] ص.: مصور (رنگی)، جدول (رنگی).
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۲-۲۳-۹
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
موضوع : کوه‌ها -- ایران -- دامغان
رده بندی کنگره : DSRT۱۹۰/س۷د۲۱۳۹۳
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۸۳۲
شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۹۶۳۷۶



ناشر: مؤسسه انتشاراتی مشق شب
نام کتاب: قله‌ها و قلعه‌های کوهستانی دامغان
نویسنده: مصطفی سعیدی
نظارت بر امور اجرایی: رضا هوشمند
عکاسی: مصطفی سعیدی
صفحه‌آرایی و طرح جلد: سارا مقدم - امیر سعادت‌فر
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول / ۹۳
چاپ: معاصر
قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۲-۲۳-۹

تلفن تماس: ۶۶۹۶۲۵۱۶ نمابر: ۶۶۹۶۲۵۱۷

www.mashgheshab.com

فهرست

۸	مقدمه ناشر
۱۰	مقدمه مؤلف
۱۷	مختصری از وضعیت جغرافیایی و تاریخی دامغان
۲۰	پیشینه تاریخی دامغان
۲۶	بخش اول: قلعه‌های کوهستانی
۹۴	بخش دوم: کوه‌ها
۱۱۰	فصل اول: کوه‌های دهستان رودبار
۱۷۲	فصل دوم: کوه‌های دهستان دامنکوه (طرزره)
۲۰۸	فصل سوم: کوه‌های دهستان تویه دروار
۲۲۴	فصل چهارم: کوه‌های دهستان قهاب رستاق
۲۴۴	فصل پنجم: کوه‌های دهستان قهاب صرصر
۲۵۵	فصل ششم: دانستنی‌ها و لوازم کوهنوردی



به ابرها بگوید، به مه‌وط می‌نشیند

مردمی را می‌شناسم که در فصل نشاء شمعدانی‌ها التهاب پرواز دارند. کودکانی را می‌شناسم که یک قدم مانده تا غروب بر لب بام‌ها و جایی فراتر از دسترس پرچین‌ها، دست در دست قاصدکان شوخ‌چشم اما خوش‌خبر، به اوج می‌انديشند و پرواز. زنانی را می‌شناسم که با دشت‌ها هم‌شیره‌اند. آنها مادرانی هستند که دست‌هایشان همیشه پر است از عطر خوش نان. و مردانی را می‌بینم که کوه را برادرند، پدرانی که پشت تاول‌های دستانشان، غروری از جنس باران دم صبح کویر پنهان است؛ نرم، لطیف و جان‌افزا. مردمی را می‌شناسم که شعرهای ماندگار اقلیم کویر را، دست به سینه ارادت، روبه‌روی ستیغ‌های بلند کوه‌های ولایتشان، ترانه می‌کنند.

زنان، مردان و کودکان دامغان را می‌گوییم.

اقلیمی پهناوری که در آستانه آبی بلند آسمانش، در فصل شکوفه‌ها، عشق می‌روید و امید.

ما دلمان قرص به دیوارهای ستبر و بلند باروهای شهرمان است.

دیوارهایی که خاک و جانشان از دست و بازوی اجدادمان نقش گرفته است.

از بهشتی سخن می‌گوییم که هزاران سال است به همت عالی مردان و زنانش ماندگار است.

مردمی که صورتشان سرخ از آفتاب است و دست پر از مهربانی‌شان از آستین تلاش، غیرت و ایستادگی بیرون آمده است.

... و ماجرای مکتوبی که پیش رو دارید.

مصطفی سعیدی، آموزگار درس فلسفه در مکتب زندگی، راه بلد کوه‌های دور و ستیغ‌های بلند و درس آشنای کلاس طبیعت،

دیگر بار، پس از انتشار «کتاب حاذبه‌های گردشگری طبیعی دامغان» به سراغمان آمد و آنچه پس از این می‌آید، محصول

پژوهش، تحقیق و کوهنوردی ایشان، در دو بخش «قله‌ها» و «قلعه‌ها» با عنوان «قله‌ها و قلعه‌های کوهستانی دامغان» که

سعی و جذبه‌ای است میان ارادت و عشق نگارنده و تاریخ و ناگفته‌های، تک تک قله‌ها و قلعه‌هایی که سخنشان به تفصیل در

این تقریر خواهد آمد، اثر پیش رو جهدی در بازسازی پنهانی بهشتی پنهان، در دل کویری پهناور است.

باشد که مطالعه این کتاب بتواند برای دقایقی تجسمی باشد از حضورتان در ستیغ‌های بلند کوه‌ها و فراز قلعه‌های جا مانده

از تپاول روزگاران عتیق؛ باشد که نسیم، موهایتان را دشت نوار شود و چشم‌هایتان، در افقی دور، پی چیزی یا کسی محو

تماشای آفرینش زیبای پروردگار شود.

مجموعه یاد شده می‌تواند به عنوان مرجعی قابل وثوق به جهت کوهنوردان، طبیعت‌گردان و گردشگران مورد استفاده قرار گیرد.

نکته قابل توجه در کتاب «قله‌ها و قلعه‌های کوهستانی دامغان» توجه به تاریخ و گشایش این خطه در کنار معرفی کوه‌های دامغان است.

رضا هوشمند



«وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَابْتَنَيْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونَ.

و زمین را بگسترانیدیم و در آن کوهها فکندیم و همه چیزهای مناسب در آن برویاندیم.»

(حجر آیه ۱۹)

دامغان هرچند در حاشیه کویر قرار گرفته است و با آن به عنوان شهری کویری یاد می‌شود، ولی به واقع بواسطه نزدیکی بیشتر آن به کوهستان تا کویر، و نیز چون قسمت زیادی از وسعت آن را کوهستان‌های شمالی و تا حدودی جنوبی پوشانیده است، بنابراین شایسته‌تر است آن را یک شهر کوهستانی محسوب نمود.

مجموعه کوه‌های این شهرستان بخش بزرگی از سلسله کوه‌های البرز را شامل می‌شود که این رشته کوه‌ها، به دو بخش جنوبی (کویری) و شمالی تقسیم می‌شوند. سلسله کوه‌های البرز در شمال غربی (منطقه آرسک) و در شمال شرقی (منطقه طزره و دیباج) به طول ۷۰ کیلومتر همچون دیواری عظیم، دریای خزر را از کویر دامغان جدا کرده است. در واقع قسمت اعظم رشته کوه‌های البرز شرقی در این شهرستان واقع شده است.

رشته کوه‌های البرز موسوم به کوه سفید در شمال دامغان قرار گرفته که از کوه ورم (روبروی روستای قوشه) در غرب شهرستان تا شاهکوه بالا در شاهرود به طول ۷۰ کیلومتر امتداد دارد. اما در حد فاصل بین دامغان و گردنه آهوان شاخه‌ای از کوه سفید جدا گشته و به طرف کویر رملی و نمک فرو می‌افتد که کوه‌های آن سلطان شاهرخ، انجیلو، زرین چشمه، بناور، کاهدان، دارستان، چاه شیرین و ... می‌باشند.

سلسله کوه‌های البرز شرقی که به صورت دیوار مستحکم جلگه‌های کناره، دریای مازندران را از قسمت داخلی دامغان جدا کرده است، همانند قسمت‌های دیگر سلسله کوه‌های البرز نتیجه حرکات کوه‌زائی دوران سوم زمین‌شناسی (کوه زائی آلپی) می‌باشد. فرسایش در طول اواخر دوران سوم و در دوران چهارم زمین‌شناسی تغییرات زیادی در آن به وجود آورده است. سنگ‌های این

کوه مانند رشته کوه‌های دیگر ایران غالباً از سنگ آهک است. آنچه مسلم است، سنگ آهک، گچ، طبقات نمک، ریگ‌های جمع شده و ورقه‌های خاک رسوب نیز در این کوه‌ها فراوان به چشم می‌خورد.

این حجم وسیع کوهستان‌ها و قدمت آن زمینه ایجاد معادن بسیار غنی و ذخایر کانی متنوعی از ذغال سنگ، فیروزه، طلا، آهن، سنگ‌های زینتی و... را فراهم آورده است. اما متأسفانه از جنبه کوهنوردی و گردشگری این شهرستان، علیرغم داشتن ۱۲۴ کوه که ۳۲ قله آن بالای ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متر ارتفاع دارد، چندان مورد توجه کوهنوردان و گردشگران بومی و غیر بومی قرار نگرفته است. به نوعی می‌توان گفت به‌دلیل کمبود معرفتی نشده است. اما در واقع طبیعت زیبای کوهستانی آن به گونه‌ای است که دارای پتانسیل و ویژگی‌های مطلوب و ممتازی برای کوهنوردی و استفاده از جاذبه‌های مناطق کوهستانی است. وجود مناطق ییلاقی وسیع، دره‌ها، آبشارها، تنگه‌ها، غارهای طبیعی، دیوارهای مرتفع، رودخانه‌ها، چشمه‌های آب معدنی، و غیر معدنی، یخچال‌ها و نیز نواحی جنگلی به گونه‌ای که در برخی از نقاط آن می‌توانیم سرسبزی نواحی شمال ایران را مشاهده کرد، همه و همه جاذبه‌های کوهستان دامغان هستند که کمتر مورد مطالعه دقیق و توجه دوستداران طبیعت قرار گرفته است.

وجود این همه امکانات گردشگری می‌تواند زمینه جذب کوهنوردان و علاقمندان به طبیعت را به شهر دامغان و نیز شرایط برای سلامت جسمی و از این مهم‌تر بهداشت روانی را برای ساکنان شهرستان فراهم آورد. زیرا در واقع ضرورت پرداختن و توجه بیشتر به بهداشت روح و پرورش ذهن و خودآگاهی در دنیای ماشینیسم امروزی در فرایند بهبود سلامتی کمک بیشتری به انسان‌ها می‌کند و ما را به انسان‌های آگاه و ارزشمندی تبدیل خواهد کرد. واضح و مبرهن است که کوهنوردی به این معنی نیست که فقط مستقیم از کوه‌ها بالا برویم و قلب خود را از کار بیندازیم. بلکه در کنار فعالیت درست و علمی ورزشی سرزمینی را نیز که در آن زیست می‌کنیم را بشناسیم؛ با آداب و رسوم و مردمانش آشنا شویم، سنگ کوه‌های خود را بشناسیم. فرهنگ و سنت‌های روستاهای کوهستانی را بدانیم و از این رهگذر نیز حتی شناخت و دانش طبیعی، سنگ شناسی، گیاه شناسی، جانورشناسی و از همه مهم‌تر جامعه شناسی داشته باشیم.

هوای لطیف کوهستان‌های عظیم و سر به فلک کشیده دامغان را از خشونت‌های شهر و الودگی‌ها مبرا و پاک می‌سازد، آرامش می‌دهد. خوش خلق می‌کند، با صبر و حوصله می‌شویم، با امکانات کم، مشکلات خود را حل می‌کنیم و به جای گرفتن لقمه از دهان دیگران، لقمه‌هایمان را با یاران همراه قسمت می‌کنیم.

کوهنوردی یک ورزش راستین است که جوانان را از فسق و فجور و انواع بزهکاری‌های دوران نوجوانی و جوانی دور نگاه می‌دارد. حس جوانمردی، فداکاری، صمیمیت، یکپارچگی و زندگی گروهی را در آنان تقویت می‌نماید و جوانانی غیور و متکی به نفس و اندیشمند پرورش می‌دهد که لازمه ترقی هر اجتماع و کشوری است. در کوهنوردی ایجاد و تقویت روح صمیمیت و یگانگی و همکاری بیش از

هر چیز دیگر ظهور دارد. مسیرهای صعب العبور، دیوارهای مرتفع، صخره‌های بلند، طوفان‌ها، کولاک‌ها، بوران، خطر حیوانات وحشی و... درس شهامت و فداکاری و روح بلند همتی و مردانگی را در سلول‌های خفته جوانان بیدار می‌کند و انسان‌های آزادی را در دامن ماجراجوی خود پرورش می‌دهد تا در زندگی از هیچ موجود و خطری نهراسند.

کوهستان‌ها همیشه جایگاهش را به عنوان سمبل یک عظمت و هیبت در ذهن بشریت حفظ کرده است و انسان‌ها با هر مرام و مکشی در مقابل عظمت و ضلالت و بزرگی کوه‌ها سر فرود آورده اند. هنگامی که بر صخره‌های ستبر کوهستان پا می‌گذاری احساس کوچکی و حقارت وجودت را فرا می‌گیرد. تو می‌مانی و این همه عظمت، عظمتی حقیقی و به دور از هرگونه کبر و ریا، عظمتی ستودنی و تفکر برانگیز، تفکری شگفت و پاک و زلال چون قطرات آب سراچشمه ساران و خنکای دلنشین صخره‌های بزرگ. اما گاه در مقابل تمامی قدرت و کوبندگی، سرما و گرما، فرازها و نشیب‌هایش تمام و کمال می‌ایستی تا نیروی اراده و قوای بالقوه خود را به رخ کوه بکشی و نشان دهی که با تکیه به اراده قوی خود قادرید تا رفیع‌ترین قله و سرکش‌ترین صخره‌ها را مقهور خویش سازید. و بلندترین سخت‌ترین قله‌های کوهستانی را در برابر اراده نلزدید و خود از جلال و جبروت اندازید.

بدین راهِ مزدا مرا پای ده
بر این سنگ لغزنده آوای ده
بر این کوه و صخره بزن چند گام
بلندی چو خواهی ز پستی در آی

هلا کوهساران مرا جای ده
همان سختی سنگ خارای
تو ایرانی گرد، خواهان نام
همیشه ز پایین به بالا گرای

بنابراین، چنین است که کوهستان‌ها با انسان‌ها سخن می‌گویند. با انسانی که در اوج کوچکی با نیروی صبر و حوصله و اراده، خود را بزرگ و ستودنی می‌کند و در نقطه مقابل انسان‌هایی در اوج بزرگی، در مقابل عظمت و جلال کوه‌ها و طبیعت خود را حقیر و حیرت زده می‌یابند. به گفته پژوهشگر فرزانه و کوهنورد برجسته طبیعت ایران، مرحوم عباس جعفری:

«کوهنوردی حدیث مکرر رفتن است و دل کندن، داستان ساده زیستن و صمیمی بودن، آن قدر ساده که تصور در مخیله دود زده انسان شهری نمی‌گنجد و آن چنان صمیمی که عشق را پهلوی می‌زند. کوهنورد با آن که سخت بودن و ستبر ایستادن را از کوه‌ها وام گرفته است، اما چونان جویباری نرم و سبک می‌آید و پس از لختی تأمل دوباره به راه می‌افتد و عطر پونه‌ها و لطافت سبزه زارها را لابلای تموج روح گسترده خویش به این سو و آن سو می‌برد.

به این کوه و آن دره از این دیار به آن دیار در پی یار گمگشته‌اش، یاری که روزی در لابلای دود ماشین و رنگ نئون چراغ‌های شهر

از پیشش رفته نه او را گم کرد، نه بهتر بگویم تا خودش را گم کرد، حالا شاید در لابلاي این سنگ‌ها، صخره‌ها و در دل غارها به دنبال آن گمگشته می‌گردد. در این کوه نمی‌یابد رو به آن کوه می‌کند. از این کوه فرود می‌آید و از کوهی دیگر صعود، شب در زیر ستاره باران آسمان کوهستان لختی از پای می‌افتد و فردا دوباره باز بی تاب، گشتن آغاز می‌کند.

هرچند زندگی کوهنورد در واژه‌هایی چون راه، فراز، فرود، کومه و دشت همراه با پیاله‌ی چای چادرنشینی یا کاسه دوغ امتزاج می‌یابد و زیستنی این چنین نه ساده که برخی اوقات دشوار نیز می‌ماند. اما در نظر وی زندگی بی چراغ خطر، ترافیک، بوق، دود و دیگر اضطرای‌های لحظه به لحظه شهر در این کوهستان همراه بافت‌های کشیده نوای نی چوپان در دور دست‌ها و آوای زنگوله بره‌ها در سایه بیدی لرزان هر گفتر جویباری خرد راحت‌تر می‌نماید.^۱

شگفتی‌های طبیعت بکر و جاذبه‌های پنهان و زیبایی‌های نهان آن را باید در گستره پر پیچ و خم کوهستان‌ها جستجو کرد. هنگامی که از هزار توی دره‌ها و از شیب‌های تند و نفس گیر کوره راه‌ها و از خم گردنه‌ها خود را بالا می‌کشی، به ناگاه چشم اندازی وسیع چشمانت را به میهمانی آرامشی دلپذیر می‌برد و خبران آن همه سختی‌ها و خستگی‌های تیغه‌های کوهستان می‌شود که هول و هراس را به جانث می‌ریخت.

لحظه رسیدن به قله‌یک کوه مرتفع و تماشای مناظر اطراف آن، جزء لحظه‌های لذت بخش و فراموش نشدنی زندگی هر انسانی است. در آن لحظه که چشم انداز وسیعی از مناظر اطراف پیش چشمان آدمی گسترده می‌شود و هوایی لطیف و بهشت گونه و دل‌انگیز، روح و روان را در خلصه‌ای سرشار از نشاط و زندگی، مهر، آرامش و آشتی فرو می‌برد، غم روز و روزگاران و گرفتاری‌های زندگی، فراموش می‌شود و انسان با تمام وجود، محو تماشای زیبایی‌های طبیعی می‌شود، چه نیکوست به درگاه خداوند بزرگ و آفریننده زیبایی‌ها به پاس نعمت زنده بودن و تحقق چنین لحظاتی در زندگی ادبی احترام کند سپاسگزاری می‌کند.

البته گنجینه ارزشمند و پایان ناپذیر کوهنوردی تنها در معرفت ذهنی و بهداشت روانی نسبت به گیاهان، جانوران، مراتع کوهستانی و مناظر زیبا خلاصه نمی‌شود، بلکه همان گونه که قبلاً بیان شد زمینه سلامت جسمی و از بین بردن انواع امراض و بیماری‌های جسمی مانند دیابت، کلسترول (چربی خون) و... برای تمامی سنین مختلف می‌شود.

از مزیت دیگر ورزش کوهنوردی نسبت به سایر ورزش‌ها ویژگی دسته جمعی بودن آن می‌باشد. برای یک دوندۀ یک دوچرخه سوار، یک شناگر و فوتبالیست مقدور نیست که همراه با اعضای خانواده خود برنامه ورزشی خود را اجرا نماید. ولی برای یک کوهنورد این امکان وجود دارد که همیشه همراه اعضای خانواده‌اش به کوهنوردی بپردازد.

اگر ما از امروز کودکان خود را به همراه خود به کوهپیمایی ببریم، ضمن این که آن‌ها با ورزش خو می‌گیرند و سلامتی آن‌ها برای

همه عمر بیمه خواهد شد، آنان با طبیعت هم آشناتر می‌شوند. این آشنایی نزدیک با طبیعت فرزندانمان را به انسان‌هایی آگاه و ارزشمند تبدیل خواهد کرد. و بی ریا آن که هدف اصلی نگارنده نیز از جمع‌آوری این مجموعه تشویق همشهریان و هموطنان علاقمند به کوهنوردی به این ورزش به منظور تأمین سلامت جسمی و روانی آن‌ها می‌باشد. نکته دیگر آن که هر ورزشی به ویژه کوهنوردی اگر توأم با تنوع نباشد بعد از مدتی ممکن است انجام آن برای شخص یکنواخت و خسته کننده شود و موجب انصراف شخص از ادامه ورزش شود. لذا توصیه می‌شود برای ایجاد تنوع به خصوص در ورزش کوهنوردی و گریز از یکنواختی مرتباً یک مسیر کوهستانی را طی نمایید، بلکه هر هفته یک کوه جدید و یک مسیر جدید را انتخاب نمایید. فراموش نکنید که طبق یک ضرب‌المثل چینی، راه هزار فرسنگی با یک قدم شروع می‌شود.

شما هم می‌توانید کوهنوردی را از همین امروز شروع کنید. منتهی در ابتدا به کوه‌های کم ارتفاع صعود کنید و به تدریج که آمادگی بیشتری پیدا کردید به کوه‌های بلندتر بروید. مهم این است که هرچه زودتر و همین امروز این ورزش مفرح و با نشاط را شروع کنید و به کوه بیایید. البته همان‌گونه که قبلاً تأکید شد، نظر به این که هدف اصلی از کوهنوردی تأمین سلامتی جسم و روح می‌باشد، لذا به هیچ وجه عاقلانه نیست که انسان سلامتی خود را در کوه به خطر اندازد. بنابراین به علاقمندان کوهنوردی توصیه مجدد می‌شود برای دفعات اولیه با افراد مجرب به کوه رفته و حتی الامکان از مسیرهای ساده‌تر و مناسب‌تر صعود نمایند. قابل ذکر است که درباره کوهستان‌های دامغان، علیرغم قابلیت‌های کوهپیمایی، کوهنوردی، صخره‌نوردی و چشم‌اندازهای کوهستانی با مظاهر طبیعی فراوان و توان بالقوه فراوان آن در زمینه گردشگری، متأسفانه تاکنون کسی کتابی جداگانه ننوشته و شاید هم این امر به واسطه پراکنده بودن و وسعت جغرافیایی وسیع کوهستان‌های دامغان باشد.

وانگهی نگارش توصیفی از تک تک کوه‌ها که قابل تعمق و مطلوب باشد نمی‌توان از یک نفر توقع داشت، تنها به توصیف ۲۰ قله با ویژگی‌های منحصر به فرد بودن آن نسبت به سایر کوه‌ها اکتفا شده است. چرا که دست‌یازیدن به چنین امری را بایستی از چند تن زبردست توقع نمود. در هر حال مطالب گردآوری شده در این مجموعه اولین قدم و نخستین تجربه است که مسلم خالی از نقص نیز نخواهد بود.

در خاتمه ضمن تشکر از دوستان ارجمندم آقایان حمید رضا فروتن که زحمت آماده‌سازی نوشته‌ها را متحمل شده‌اند و نیز امتنان فراوان از سرکار خانم سارا مقدم و جناب آقای امیر سعادت فر که با دقت و حسن و سلیقه خویش به صفحه‌آرایی کتاب پرداختند و کوه‌نورد گرانمایه جناب آقای امین نوروزی که متن کتاب را مورد بازخوانی خویش قرار داده‌اند و تذکرات اصلاحی و روشنگرانه ابراز نمودند، امتنان نمایم و لازم می‌دانم از زحمات بی‌ریا و عاشقانه دوست و همشهری فرهیخته‌ام، جناب آقای رضا هوشمند مدیر مسئول، محترم انتشارات مشق شب که برای چاپ نفیس و پاکیزه کتاب با بذل دقت و احساس مسئولیت و علاقه از هیچ کوششی فرو گذار

نکردند کمال تشکر و سپاسگزاری را داشته باشم؛ مسلماً اگر جز عشق وافر ایشان به موطن خود نبود کتاب با کیفیت حاضر چاپ و عرضه نمی‌شد.

ضمناً تلاش‌های صادقانه پیر نشر ایران، همشهری عزیزمان جناب آقای حاج محمد تقی قدس‌الهی، مدیر چاپ معاصر و حمایت‌های بی‌دریغ فرزند ارجمندشان، مهندس مهدی قدس‌الهی و همکاران ایشان که زحمت چاپ و به سرانجام رساندن کتاب را بر عهده داشتند نیز مزید تشکر و امتنان فراوان است.

امیدوارم با معرفی کوه‌های سترگ دامغان توانسته باشم در پیشرفت و گسترش ورزش کوهنوردی و جلب توجه نوجوانان و جوانان و میانسالان و... از زن و مرد که آمادگی پیوستن به این ورزش سالم و انسان‌ساز را دارند، گام کوچکی برداشته، باشد که بتوانیم پایه‌های اکوتوریسم داخلی و خارجی و سلامت جسمی و روانی جامعه خود را پی‌ریزی نماییم.

سخن آخر در این آغاز کلام

روی سخنم با کوهنوردان، طبیعت گردان و گردشگرانی است، بویژه یاران، همراهان و هم قدمان کوهنوردم در اقلیم پهناور دامغان، که به حتم با مطالعه کتاب در عین حال تجدید خاطره، به واسطه نگاه دقیق و نافذشان به کاستی‌هایی خواهند خورد که مشتاقانه در انتظار پوشیدن و نیوشدن نقد و نظرشان هستم.

که هنرمند و دست در کار است
کار وی با خطا نباشد یار

با کسی لغزش و خطایار است
وانکه را دست بسته است از کار

مصطفی سعیدی